



فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۶۱-۳۵

تحلیل ارتباط کمال طلبی و اضطراب در آثار و اندیشه عطار^۱

حامد رحمانی کروی^۲

محمد پاشایی^۳، ویدا دستمالچی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

چکیده

«کمال طلبی» به معنای تعیین استانداردها و معیارهای بسیار بالا و مطلق اندیشانه در ساحت‌های مختلف زندگی و فعالیت‌های انسانی است که برای نائل شدن به هدفی مشخص، در مسیری از پیش تعیین شده تعریف می‌شود. حرکت در مسیر سلوک عرفانی، مستلزم رعایت ضوابط و اصول مشخصی است تا کیفیت لازم برای رسیدن به فنا و حقیقت مطلق فراهم شود. عطار استانداردها و انتظارات بسیار بالا و دشواری برای سالک مشخص می‌کند و این حالت، تا ساحت زندگی فردی و اجتماعی سالک نیز گسترش می‌یابد. «اضطراب» و «کمال طلبی» ارتباط دوسویه و متقابل دارند و ریشه آن را می‌توان در اضطراب وجودی شاعر در برخورد با مسیر کیفی و انتزاعی سلوک دنبال کرد. «اضطراب» حاصل از هبوط، مطلق بودن ذاتی و همه‌جانبه خداوند، ناکامی آدمی در حفظ جایگاهش در بهشت و اضطراب

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jml.2023.44545.2492

۲. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده

مسئول) رایانامه: hamedrahkar@gmail.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

رایانامه: m_pashaie@yahoo.com

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان، تبریز،

ایران. رایانامه: dastmalchivida@yahoo.com

وابستگی به پست‌ترین نقطه ممکن، به صورت تلاش برای جبران حداکثری و اعاده حیثیت انسان در ساحت اندیشه عطار منعکس می‌شود. مهم‌ترین نتیجه «کمال‌طلبی» عطار، نگاه مقوله‌ای یا «همه یا هیچ» است که قرار گرفتن در میانه مسیر سلوک را نمی‌پذیرد و صرفاً رسیدن به نهایت سلوک را قبول دارد. وسواس مذهبی و تأکید بر اعمال عبادی که فراتر از احکام دینی است، از دیگر نتایج «کمال‌طلبی» است. عطار با روایت داستان «کمال‌طلبی» بزرگان عرفان و تصوف، دیدگاه اصلی خود را در کیفیت سلوک و چگونگی حرکت سالک، بازآفرینی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: عطار، «پرفکشینیسیم»، داستان‌های عرفانی، «اضطراب»، «کمال‌طلبی».

۱. مقدمه

پرفکشینیسیم یا «کمال‌طلبی»، ویژگی شخصیتی است که فرد تلاش می‌کند از هر نظر بی‌عیب و نقص باشد. به منظور دست یافتن به این هدف، استانداردها و معیارهای بسیار دشواری برای خود انتخاب می‌کند که لازمه رسیدن به این معیارها، تلاش طاقت‌فرسا و دائمی است. کمال‌طلبی، نمی‌تواند امری ثابت و فراگیر باشد. برومن و گرین می‌نویسند: «کمال‌طلبی نسخه واحدی ندارد؛ بلکه دارای ساختاری دامنه‌ای است که ظهورش در اشخاص مختلف از کم به زیاد متفاوت باشد؛ مفهومی ثابت نیست؛ بلکه احساسی مشترک بین انسان‌هاست که به درجات مختلفی تجربه می‌شود» (Broman and Green, 2008: 481).

ریشه «کمال‌طلبی» را باید در محیط اجتماعی و جامعه زیست‌شخص جست‌وجو کرد. طبق دیدگاه مک‌آدامز و پائوس «کمال‌طلبی اشکال گوناگونی دارد و از شخصی به شخص دیگر متفاوت است. همچنین ابعاد آن نیز از یک تعامل پویا بین ویژگی‌های شخصیتی و محیط اجتماعی ناشی می‌شود» (Mc Adams and Paus, 2006: 204). بر اساس این دیدگاه، صرفاً شخصیت فرد را نمی‌توان عامل کمال‌طلب بودن او معرفی کرد. برخی از روان‌شناسان عامل زیستی و غریزی را ریشه کمال‌طلبی می‌دانند. کانوینگتون و مولر کمال‌طلبی را با غریزه بقا و ترس از نابودی مرتبط می‌دانند و معتقدند: «افرادی که با

امید بسیار برای موفقیت و ترس بسیار از شکست مشخص می‌شوند، رفتار آن‌ها ناشی از تمایل به اجتناب از شکست و موفقیت در سطح بسیار بالا است. در واقع این نوعی استراتژی بقا و دور ابدی حرکت و ترس از شکست است» (Covington and Muller, 2001:157).

هرچند کمال‌طلبی امری دامنه‌دار و نسبی است؛ اما بین افراد کمال‌طلب نقطه مشترکی وجود دارد. کناس معتقد است «این افراد اغلب احساس می‌کنند استانداردهای خود را برآورده نکرده‌اند و این مسأله منجر به انتقاد شدید درونی می‌شود. کمال‌طلبی به معنای تمایل به نارضایتی از هرچیز ناقصی است که با معیارها و استانداردهای از پیش تعیین شده مطابقت نداشته باشد. کمال‌طلبی شامل تعیین اهداف عالی و استانداردهای بالایی است که به سختی می‌توان به آن‌ها دست پیدا کرد» (Knaus,2008: 166).

نقطه مشترک دیگر این افراد، جزئی‌نگری افراطی است. فرد کمال‌طلب دائماً بر اشتباهات تمرکز می‌کند و به‌ندرت چیزی که درست است، توجهش را جلب می‌کند. بر اساس دیدگاه سارا جی اگان، «فرد کمال‌طلب همانند بازرس زندگی می‌کند و همیشه به دنبال عیب و ایراد می‌گردد. به این ویژگی کمال‌طلبی، توجه انتخابی (۲) گفته می‌شود.» (Egan and et al,2014: 107).

«کمال‌طلبی» از اضطراب انسان و ترس از ناقص بودن و ناتوانی در رسیدن به هدف تعیین شده سرچشمه می‌گیرد. بر اساس دیدگاه فلت، «هنگامی که بین آنچه انتظارش را داریم و آنچه در توان ماست فاصله وجود داشته باشد، اضطراب ایجاد می‌شود» (Flett,1998: 249).

پل تیلیش فیلسوف متأله اگزیستانسیالیست، ریشه اضطراب وجودی انسان را مواجهه با مرگ خویش می‌داند. او اضطراب را به مثابه حالتی می‌داند که در آن «موجودی از نیستی احتمالی خود آگاه می‌شود و تأثیر این رویدادها بر آگاهی دائم و پنهان او از مرگ خودش، باعث ایجاد اضطراب می‌شود». تیلیش لازمه خود بودن و شجاعت را متکی کردن آن به خداوند می‌داند و این اعتماد و ایمان، در یک شهود منحصر به فرد و شخصی تجربه می‌شود. (Tillich,1952: 163).

نقطه اشتراک اندیشه عطار با تیلیش، در اتکای وجود به خداوند است. عطار به «وجود

و بودن یا من» در مخلوقات اعتقادی ندارد؛ بلکه هستی حقیقی را تنها از آن خداوند می‌داند و وجود انسانی زمانی حقیقت پیدا می‌کند که در وجود حقیقی خداوند فنا شود. «اجزای نظریه تیلیش با اندیشه عطار شباهت‌هایی دارد. اضطراب گناه در دیدگاه عطار، معادل اضطراب هبوط است. اضطراب مرگ، هم به صورت نگرش خیامی و هم از دیدگاه دینی در شعر عطار منعکس می‌شود و اضطراب بی‌معنایی، با دور افتادن از حقیقت مطلق و ذات خداوند بازتاب پیدا می‌کند. شجاعت برای عطار در پافشاری برای حرکت به کمال و نادیده گرفتن وسوسه‌های نفس مطرح می‌شود». (رحمانی و پاشایی، ۱۴۰۱: ۱۶۱)

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه ادبیات فارسی، مقالات محدودی درباره «کمال‌طلبی» نوشته شده است. مهم‌ترین مقاله منتشر شده با عنوان «نقد و بررسی روانکاوانه شخصیت زال از نگاه آلفرد آدلر» نوشته حسینعلی قبادی و مجید هوشنگی (۱۳۸۸) است که به بررسی عوامل مؤثر در کمال‌طلبی شخصیت زال می‌پردازند. نویسندگان مقاله مهم‌ترین عامل کمال‌طلبی زال را در عقده حقارت می‌دانند. تفاوت‌های جسمانی زال با دیگران، محیط خاص رشد او و طرد شدن از طرف والدین، در شخصیت زال به بروز عقده حقارت ختم می‌شود و شخصیت برای جبران این عقده حقارت، واکنش‌های رفتاری خاصی بروز می‌دهد که کمال‌طلبانه هستند. مقاله دیگر «تحلیل و بررسی اشعار ناصر خسرو بر اساس روان‌شناسی فردنگر آلفرد آدلر» نوشته مهین بسحاق و یوسف قنبری (۱۳۹۷) است که با تکیه بر نظریه عقده حقارت آدلر، واکنش‌های ناصر خسرو همانند پنهان‌شدن به دره یمگان، انتقاد شدید از جامعه، انزوای اجتماعی و مفاخرات او را محصول جبران همین عقده حقارت می‌دانند که به کمال‌طلبی منجر می‌شود. مقالات دیگری نیز در ارتباط با عقده حقارت و کمال‌طلبی منتشر شده است. «شخصیت ویس با نگاه به نظریه عقده حقارت آدلر نوشته عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل شخصیت ابن رومی بر اساس نظریه عقده حقارت آدلر» نوشته حسن مجیدی و همکاران (۱۳۹۴). نظریه کمال‌طلبی به طور خلاصه به معنای تعیین معیارها و شرایط سخت و پیچیده سلوک و مناسک عبادی است، نه در گرایش فطری انسان به توحید و رهایی از عالم مادی که «کمال‌گرایی» نامیده می‌شود. در حوزه ادبیات سایر

زبان‌ها و پژوهش‌های اخیر، می‌توان به کتاب «بارهای کمال» اثر اندرو اچ. میلر (۲۰۰۸) اشاره کرد که به بررسی کمال‌طلبی در ادبیات قرن نوزدهم انگلیس و دوره ویکتوریا اختصاص دارد. همچنین مقاله «قهرمان گمشده گذشته، ۲۰۱۰» نوشته سیارا هوگان نیز به تحلیل کمال‌طلبی در شعر و اندیشه جیمز کلارنس مانگان، شاعر ایرلندی پرداخته است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. تاریخچه نظریه کمال‌طلبی

نظریه کمال‌طلبی با تحقیقات آلفرد آدلر (۱۹۳۷-۱۸۷۰)، روان‌شناس اتریشی آغاز شد. آدلر در کتاب «منافع اجتماعی، چالشی برای بشریت، ۱۹۳۸»، ریشه شکل‌گیری کمال‌طلبی را در عقده حقارت دانست. او معتقد بود انسان مضطرب برای جبران عقده حقارت و شکست در گذشته، به شیوه‌ای سازگار یا ناسازگار به سمت هدفی حرکت می‌کند. آدلر نظریه عقده برتری را نیز ارائه کرد. عقده برتری، احساسی آگاهانه درباره برخورداری بودن از توانایی‌های فوق‌العاده انسانی و میل به انتظارات و خواسته‌های افراطی از خود و دیگران است.

کارن هورنای (۱۹۵۲-۱۸۸۵)، روان‌شناس آلمانی در کتاب «عصیت و رشد آدمی، ۱۹۵۰»، ریشه کمال‌طلبی را در کودکی انسان و ضعف و درماندگی‌های او در مواجهه با خطر رهاشدن توسط والدین می‌داند. او این اضطراب انسان را اضطراب اساسی (۵) نامید. هورنای معتقد بود کمال‌طلبی به تعیین استانداردهای دشوار برای دیگران منجر می‌شود. هورنای دیدگاه مثبتی به کمال‌طلبی نداشت و از آن با عنوان «استبداد باید» (۶) یاد می‌کرد که گرایش با سنخیت روان رنجور و بدون هیچ‌گونه نقطه مثبت در نظر گرفته می‌شد.

دیگر روان‌شناس مشهور و صاحب‌نظر در حوزه کمال‌طلبی، هری استاک سالیوان (۷) است که در کتابی با عنوان «نظریه بین‌فردی روان‌پزشکی، ۱۹۵۳»، بر ارتباط بین اضطراب و کمال‌طلبی تأکید کرد. او معتقد بود رشد کمال‌طلبی، در فقدان محبت و حمایت افراد مهم زندگی انجام می‌شود.

۳-۲. نظریه کمال طلبی پاول هویت و گوردون فلت

پاول هویت (۸) استاد دانشکده بهداشت در دانشگاه یورک در انتاریو و گوردون فلت (۹) استاد روان‌شناسی در دانشگاه بریتیش کلمبیا از سال ۱۹۸۶ تا کنون، با ارائه ۹۵ مقاله علمی در حوزه کمال‌طلبی (۱۰)، نظریه خود را با عنوان «مدل جامع رفتار کمال‌طلبانه» (CMPB) (۱۱) ارائه کرده‌اند. این نظریه مدل توصیفی از کمال‌طلبی است تا مفهوم‌سازی چندلایه و چند بعدی از سبک شخصیت کمال‌طلب را به تصویر بکشد. بر اساس این نظریه، کمال‌طلبی شامل ابعاد شخصیتی پایداری است که انگیزه و محرک افکار و رفتار فرد را نشان می‌دهد و به سه مؤلفه شخصیتی، بین‌فردی و درون‌فردی تقسیم می‌شود.

۳-۲-۱. مؤلفه‌های خصلتی «کمال طلبی»

این مؤلفه‌ها به سه نوع کمال‌طلبی خودمحور، کمال‌طلبی دیگرمحور و کمال‌طلبی تجویز شده از نظر اجتماعی تقسیم می‌شود. «کمال‌طلبی خودمحور گرایش به کمال‌طلبی از خود را مشخص می‌کند (من چیزی کمتر از کمال خودم نمی‌خواهم). کمال‌طلبی دیگرمحور شامل نیاز به کمال از طرف دیگران است (اگر از کسی بخواهم کاری را انجام دهد، انتظار دارم بدون نقص انجام شود). کمال‌طلبی تجویز شده اجتماعی به درخواست کامل بودن فرد از طرف جامعه اشاره می‌کند (مردم از من انتظاری کمتر از کمال ندارند)». (Hewitt et al, 2017: 33)

۳-۲-۲. مؤلفه‌های بین‌فردی «کمال طلبی»

این نظریه شامل سه وجه بین‌فردی است که نحوه رفتار افراد کمال‌طلب را نشان می‌دهد: خویش‌نمایی کمال‌طلبانه، عدم نمایش نقص و عدم افشای نقص. «خویش‌نمایی کمال‌طلبانه به رفتارهایی اشاره دارد که در آن افراد آشکارا کمال خود را ترویج می‌کنند و فعالانه تلاش می‌کنند تا همیشه کامل به نظر برسند (من باید همیشه کامل به نظر برسم).

نشان ندادن نقص نشان‌دهنده انگیزه اجتناب از نمایش آشکار عیوب فرد است (نمی‌خواهم دیگران انجام کاری را ببینند مگر اینکه در آن کامل باشم)، درحالی‌که پرهیز از خودافشایی نقص، نشان‌دهنده انگیزه اجتناب از بیان عیوب و کاستی‌ها است (اعتراف به

شکست برای دیگران بدترین کار ممکن است» (Hewitt et al, 2022: 122).

۳-۲-۳. مؤلفه درون فردی «کمال طلبی»

این مورد تا حدی توسط گفت و گوی درونی فرد با خودش منعکس می شود که شامل اظهارات و افکار کمال طلبانه خود به خودی و متهم سازی خویشتن است (من باید کامل باشم) (Flett et al, 1998: 1363). «گفت و گوی درونی و درگیری ذهنی فرد برای کامل بودن، منجر به نشخوار فکری (۱۲) و خودسرزنی می شود. این افکار زمانی به وجود می آید که بین من واقعی و من ایده آل شخص اختلاف به وجود می آید» (Hewitt et al, 2017: 17). «تفکر کمال طلبانه ممکن است به جای انعکاس پردازش آگاهانه، سیستماتیک و تصمیم گیری خود شخص، نشان دهنده شناخت خود کار و ناخود آگاه باشد؛ به سخن دیگر تفکر کمال طلبی ممکن است در برخی افراد به قدری ریشه دوانیده باشد، که به صورت خود کار مانند یک فیلتر شناختی عمل کند» (ibid, 18). نظریه پردازان معتقدند «کمال طلبی بازتاب احساس و هویت فرد است و ریشه های آن به احساس طردشدگی، نیازهای برآورده نشده، شکست های گذشته، انتظارات دیگران و نیاز به امنیت بازمی گردد» (Flett et al, 1998: 1365).

۳-۳. «کمال طلبی» و عطار

در ساحت اندیشه عطار، هویت و ماهیت انسان بر اساس هبوط و اخراج از بهشت، توبه و سپس حرکت و بازگشت به وحدت و یگانگی با خداوند است. خطر فراموشی این هویت و دل بسته شدن به دنیا، شاعر را مضطرب می کند. نخستین نتیجه این اضطراب، بحران هویت است. پیشاپ بحران هویت را این گونه تعریف می کند: «بحران یا جست و جوی هویت، دورانی است که فرد در زمینه انتظارات، نقش ها، آرمان ها، علایق و جهت گیری های خود تأمل می کند و صورت های مختلف هویت را می آزماید» (Bishop, 1997: 6). دشواری های مسیر بازگشت یا سلوک و مبهم بودن جزئیات در کنار خطر وابستگی به «اسفل السافلین» یا حد نهایی سقوط، شاعر را در یک وضعیت اضطراب و نبود اطمینان قرار می دهد. همین مسأله، اضطراب وجودی (۱۳) شاعر را شکل می دهد. این احساس

طردشدگی و نامشخص بودن مکانیسم بازگشت در کنار اخبار مختلف درباره دشواری مسیر و روایاتی از قضاوت سختگیرانه درباره عملکرد گذشتگان، موجب می شود تا شاعر استانداردها و ضوابط سختگیرانه‌ای برای خود و دیگران تعیین کند. تعیین این استانداردها و معیارهای مطلق‌اندیشانه، موجب شکل‌گیری کمال‌طلبی می‌شود. کمال‌طلبی اشکال مختلفی از اضطراب و بسیاری از حالات مشابه را در بر می‌گیرد. فلت می‌نویسد: «هنگامی که بین آنچه انتظارش را داریم و آنچه در توان ماست فاصله وجود داشته باشد، اضطراب ایجاد می‌شود» (Flet, 1998: 249).

کمال‌طلبی عطار در واقع بازتاب دشواری‌ها و اضطراب سختی مسیر سلوک است و نشان‌دهنده عمق فاصله‌ای است که شاعر بین عملکرد خود و عظمت خداوند احساس می‌کند. کمال‌طلبی عطار به حوزه سلوک معنوی او محدود نیست و به ساحت‌های مختلف زندگی زمینی و اجتماعی نیز گسترش پیدا می‌کند. کمال‌طلبی عطار و کمال‌طلبی او در رسیدن به استانداردها، به دیدگاهی سیاه و سفید یا «همه یا هیچ» در همه ساحت‌های انتزاعی و عملی زندگی او منجر می‌شود که تحت عنوان «تفکر مقوله‌ای» (۱۴) یا «تفکر دو قطبی» (۱۵) تعریف می‌شود. «این تفکر تمایلی است به اینکه همه چیز را یا درست یا نادرست ببینیم، بدون اینکه بدانیم موقعیت‌ها اغلب پیچیده هستند و نقاط زیادی بین این درست یا نادرست وجود دارد» (Moscovitch and Swinson: 2009: 46). در این نوع تفکر، شخص بدون کمترین انعطاف‌پذیری و مسامحه، حد وسط بین شروع و پایان یک مقوله را حذف می‌کند و با نوعی تقلیل‌گرایی، کل موضوع را به دو قطب مخالف هم تبدیل می‌کند. برای نمونه قطب‌های مخالفی همانند «زهد و دنیاپرستی»، «کفر و ایمان»، «هدایت و گمراهی» در اثر تفکر مقوله‌ای شکل می‌گیرد که مهم‌ترین ویژگی کمال‌طلبی محسوب می‌شود. در اندیشه عطار انسان یا کافر است یا مؤمن و یا هدایت می‌شود یا به گمراهی سقوط می‌کند و حد وسطی وجود ندارد و ماندن در مراحل میانی، با سقوط و شکست انسان تفاوتی ندارد. عطار معتقد است کوچکترین انحراف از مسیر تربیتی سلوک، موجب سقوط کامل می‌شود:

«یک قدم از موافقت جماعت امت کشیده نداری تا ناگاه بی‌دین شوی و ندانی
و در دوزخ افتی» (تذکره الاولیا، ۱۳۹۱: ۲۲).

رسیدن به این معیارهای کمال‌طلبانه برای انسان عادی ناممکن است و از توان و ظرفیت جسم خاکی او فراتر می‌رود. به همین دلیل، رسیدن به این استانداردها تنها با مرگ و جان سپردن سالک معنا پیدا می‌کند. در داستان‌های عاشقانه عطار هم، عاشق در پایان داستان با مرگ خود به استانداردهای عاشق واقعی بودن نائل می‌شود. احساس مداوم نقص وجودی و شرم ناشی از گناه اولیه، در کنار درک کمالیت و مطلق بودن خداوند، به دقت زیاد رعایت مناسک و آداب شریعت و رعایت حد اکثری می‌انجامد که از خود اصول دینی نیز فراتر می‌رود و به «وسواس مذهبی» (۱۶) منجر می‌شود.

از دیدگاه ویر و همکاران، «احساس گناه، نگرانی بیش از حد، تکرار اعمال عبادی و انجام اعمال اجباری از نشانه‌های وسواس مذهبی است» (Weir and et al, 2014: 57). نقل است که یکبار هفت شبانه روز روزه نگشاد و شب نخفت. شب هشتم گرسنگی بر وی غلبه کرد. نفس فریاد برآورد که: چند مرا رنجانی؟ ناگاه یکی در بزد و کاسه‌ای طعام آورد. بستد و بنهاد تا چراغ آورد. گربه بیامد و آن طعام را بریخت. گفت بروم و کوزه آب آورم و روزه گشایم. چون برفت، چراغ بمرد. خواست که آب خورد، کوزه از دستش درافتاد و بشکست. (تذکره‌الاولیا، ۱۳۹۱: ۷۰)

در تمام این روایت‌ها، چگونگی حوادث وقوع یافته به دلیل فراتر رفتن از ظرفیت و توان عادی انسانی، به کرامت، معجزه و اعمال خرق عادت و نقل خواب تبدیل می‌شود.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. عوامل «کمال‌طلبی» در آثار و اندیشه عطار

۴-۱-۱. گفتمان دینی

«کارکرد کمال‌طلبی مبتنی بر سیستم بازدارنده رفتاری (۱۷) (مجازات)، سیستم فعال‌سازی رفتاری (۱۸) (پاداش) و الگوهای رفتاری (۱۹) است.» (Randles et al, 201: 85). در گفتمان دینی، این سیستم بازدارنده با مجازات قهر الهی، عذاب جاودان جهنم و محرومیت دائمی از بهشت تعریف می‌شود. در آثار عطار، کوچکترین انحراف از استانداردها، نه تنها از مسیر باز می‌دارد؛ بلکه زحمات قبلی در طی مسیر را بی‌ثمر می‌کند:

«یک ساعت از یاد مرگ غافل نباشی و چون به قوم خویش برسی، ایشان را پند

دهی و نصیحت از خلق خدا بازنگیری. و یک قدم از موافقت جماعت کشیده نداری که تا ناگاه بی دین شوی و ندانی و در دوزخ افتی.» (تذکره الاولیا، ۱۳۹۱: ۲۲).

در آثار عطار، سالک با وجود اهتمام بسیار به عبادت و پرهیز از گناه، همچنان از عاقبت وضعیت خود مضطرب است و بر اثر این اضطراب، استانداردهای کمال طلبانه برای خود تعیین می کند:

«سوگند خورد که در دنیا نخندد تا عاقبت کارش معلوم گردد و خود را در انواع مجاهدات و عبادات برنجانید که در عهد او کسی دیگر را ممکن نبود بالای آن ریاضت کشیدن.» (همان: ۲۸)

جبران گناه و کسب رضایت الهی در این سیستم بازداری رفتاری به شدت دشوار است. در اندیشه عطار، آدم بعد از هبوط به خاطر یک دانه گندم سیصد سال طول می کشد تا بخشیده شود:

ز سیصد سال آدم ماند غمناک ز بهر گندمی خون ریخت بر خاک
چو او را گندمی بی صد بلا نیست تو را هم لقمه‌ای بی غم روا نیست
(الهی نامه، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

هسته اصلی و دال مرکزی در ادیان ابراهیمی پس از روایت نحوه آفرینش جهان و انسان، مفهوم «هبوط» است. در قرآن کریم اهمیت هبوط زمانی مشخص می شود که آن را در تقابل با آیات مربوط به کمالیت مطلق الهی در همه صفات (حشر، ۲۲ / ممتحنه، ۶ / یس، ۸۲)، کرامت ذاتی انسان (اسراء، ۷۰)، خلیفه الهی انسان (بقره، ۳۰)، دمیدن روح خدا در کالبد انسان (ص، ۷۲) و نیز مسخر شدن تمامی موجودات زمین و آسمان برای او (جائیه، ۱۳) بررسی کرد. نقص دیگر برای انسان، خلق شدن او از پست ترین چیزهاست (مرسلات، ۲۰). خلاصه هبوط آدم، مثالی برای تجسم کردن حال انسان است. چه اینکه او قبل از ورود به دنیا در عالم قدس دارای سعادت‌ها و کرامت‌ها بوده... پس به جای آن‌ها انواع رنج‌ها، ناملایمات و ناراحتی‌ها را بر اثر میل به زندگی دنیا و این مردار گندیده پست اختیار می نماید. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۲۱۴).

«کمال طلبی با وظیفه شناسی افراطی همراه است.» (Samuel, 2012: 460). این وظایف

و استانداردها نه با در نظر گرفتن توان جسمی و روحی سالک؛ بلکه با توجه به عظمت خالق تعیین می‌شود و به همین دلیل، انتهای برای این استانداردها وجود ندارد. الگوهای رفتاری کمال‌طلبی در آثار عطار، شامل الگوهای انسانی و الگوهای غیرانسانی است. انسان کامل حقیقی خود خداست و هر انسانی که انسان کامل می‌شود؛ یعنی از خودش فانی شده و به خدا می‌رسد. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۰۲). بزرگ‌ترین الگوی کمال‌طلبی در اندیشه عطار، پیامبر اسلام است که هیچ کس بالاتر از ایشان نیست و کمالیت در وجود ایشان به ظهور می‌رسد:

یافت اندر عهد او ایمان کمال
چون به حد ممکن خویش آمد او
بشنو از قرآن مشو بیهوده گم
نیست برتر از کمال آلا زوال
لاجرم از انبیا بیش آمد او
صحبت الیوم اکملت لکم
(مصیبت‌نامه، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

۴-۱-۲. سنت عرفانی

سنت عرفانی مبتنی بر تعالیم و آموزه‌های عرفا و صوفیه است که چه به صورت مکتوب و چه با روایت‌های شفاهی به دست شاعر رسیده است. علاوه بر این آموزه‌ها، الگوهای رفتاری این عرفا نیز در کمال‌طلبی عطار اثرگذار بوده است. عطار روایت‌های مربوط به زندگی آنان را، مشوق سالک برای دستیابی به کمال مطرح می‌کند و بیان روایت قهرمانان داستان‌های خود، با آنان همذات‌پنداری می‌کند. این قهرمانان، تجلی کمال مطلق هستند. عطار خود بازآفرینی این قهرمانان است که روایت‌های مربوط به زندگی آنان را، مشوق سالک برای دستیابی به کمال مطرح می‌کند:

«سخن ایشان لشکری است از لشکرهای خدای عزوجل که بدان مرید را اگر
دل شکسته بود، قوی گردد و از آن لشکر مدد یابد. و حجت این سخن آن
است که حق تعالی می‌فرماید که «و کل نقص علیک من انباء الرسل منثبث
بی‌فؤادک.» (تذکره‌الاولیا، ۱۳۹۱: ۶).

عطار در مقدمه تذکره‌الاولیا و از زبان ابوعلی دقاق، یکی از دلایل نگارش این کتاب را، الگو قرار دادن کمال آنان برای سالکان می‌داند:

«و این کتابی است که مخنثان را مرد کند و مردان را شیرمرد کند و شیرمردان را فرد کند و فردان را عین درد گرداند... آنگاه گردد که این چه درد بوده است در جان‌های ایشان که چنین کارها و از این شیوه سخن‌ها از دل ایشان به صحرا آمده است.» (همان: ۸) همه هفتاد و دو عارفی که عطار در کتاب خود معرفی می‌کند، کمال‌طلب محسوب می‌شوند. این عرفا با رعایت استانداردهای کمال‌طلبانه و بسیار دشوار، به مقام کاملان رسیده‌اند. عطار بارها در معرفی نام و القاب آنان به این مسأله اشاره می‌کند:

«آن مقدم زهاد، آن معظم عباد، آن عالم عامل، آن عارف کامل.» (همان: ۱۴۹)
کمال‌طلبی شخصیت‌های آثار عطار در ریاضت کشیدن، مقاومت در برابر لذات دنیوی مانند شب‌بیداری دائم، کفش نپوشیدن، نخندیدن تا آخر عمر، کلوخ خوردن، گریه زیاد و حتی رقابت با همدیگر در افزایش دشواری استانداردها است:

«نقل است که همه شب بیدار بودی. دختری داشت. شبی گفت ای پدر! آخر یک لحظه بیاسای. گفت ای فرزند! پدرت از شیخون قهر می‌ترسد و نیز از آن می‌ترسد که نباید که دولتی روی به من نهد و مرا خفته یابد» (همان: ۴۷)
«در ریاضت چنان بود که نان خشک در آب زدی و بخوردی.» (همان: ۴۹)
«نقل است که روزی بر بام صومعه چندان گریسته بود که آب از ناودان روان شده بود.» (همان: ۳۱)

۴-۱-۳. شخصیت مضطرب عطار

اضطراب در ساحت اندیشه عطار پنج سرچشمه اصلی دارد و براساس پیش‌فرض‌های دینی و سنت عرفانی قبل از خود اوست. اضطراب وجودی و هستی‌شناختی در شعر عطار «درد» نامیده می‌شود. این اضطراب به صورت مزمن و طولانی در همه ساحت‌های زندگی شاعر و شخصیت‌های داستان‌های او نمود پیدا می‌کند. «عطار چهار مرحله اضطراب هبوط، اضطراب وابستگی، اضطراب سلوک و اضطراب وصال را تجربه می‌کند.» (رحمانی و پاشایی، ۱۴۰۱: ۱۶۴) تلاش عطار برای تسکین این اضطراب، و تردید در صحت عملکرد خود، به کمال‌طلبی منجر می‌شود. شخصیت‌های آثار عطار، نسبت به

عملکرد خود و صحت اعمالشان بسیار بدبین و محتاط هستند و تنها در صورتی که از طرف خداوند یا عالم غیب به آنها اطمینان داده شود، گام بعدی را برمی دارند:

نقل است که یک بار سه شبانه روز چیزی نخورد. روز چهارم در راه یک دینار دید. برداشت. گفت: از کسی افتاده باشد. برفت تا گیاه برچیند و بخورد. گوسفندی دید که نان گرم در دهان گرفته، بیامد و پیش او بنهاد. گفت: مگر از کسی ربوده باشد. روی بگردانید. گوسفند به سخن درآمد و گفت: من بنده آن کسم که تو بنده اویی. بگیر، روزی خدای از بنده خدای. گفت: دست دراز کردم تا نان بگیرم. نان در دست خود دیدم و گوسفند ناپدید شد. (تذکره‌الاولیا، ۱۳۹۱: ۲۴)

رویکرد کمال‌طلبانه عطار به انسان و وظایفش زمانی مشخص می‌شود که او را با فردی آسان‌گیر همچون مولانا مقایسه کنیم. برای نمونه در باره رابطه انسان و خدا و شرایط آن عطار می‌نویسد:

عزیزا کار آسان نیست با او سخن جز در دل و جان نیست با او
چو نتواند کسی بر جان قدم زد به مردی بر کسی نتوان رقم زد
(الهی‌نامه، ۱۳۸۸: ۴۱۵)

در حال که مولانا معتقد است:

تو مگو ما را بدان شه بار نیست با کریمان کارها دشوار نیست
(مثنوی معنوی، ۱۳۹۰: ۱۴)

شخصیت کمال‌طلب عطار، بر کامل بودن انسان در تمام ساحت‌های زندگی و هستی تأکید می‌کند و از افراد ناتمام انتقاد می‌کند. عطار معتقد است حتی یک دزد نیز، باید در دزد بودن خود کامل باشد. در مصیبت‌نامه، شخصیت عارف داستان بعد از دیدن جنازه یک دزد بالای چوبه دار، برای او اشک می‌ریزد و در چرایی کار خود این‌گونه پاسخ می‌دهد:

سر این پرسید از وی سائلی گفت بوده است او به دزدی کاملی
از کمال او دزدی بسیار کرد تا که جان را در سر این کار کرد
هر که او در کار خود باشد تمام جان خود در کار بازو والسلام

گرچه دزدی غافل و جاهل بده است لیک اندر کار خود کامل بده است...
ذره‌ای گرنیکنامی بایست در همه کاری تمامی بایست
در تمامی گرتو کاری بد کنی آن هم از بهر خلاص خود کنی...
چند خواهی بود مرد ناتمام؟ نه بد و نه نیک و نه خاص و نه عام
(مصیبت‌نامه، ۱۳۸۶: ۲۲۳)

۴-۲. مؤلفه خصلتی «کمال طلبی» (۲۰)

۴-۲-۱. «کمال طلبی» خودمحور (۲۱)

«کمال طلبی خودمحور باورهایی با انگیزه درونی را شامل می‌شود که در آن، شخص برای عملکرد خود استانداردها و انتظارات بسیار بالایی را در نظر می‌گیرد.» (Hewitt and Flett, 1991: 456) در این نوع کمال طلبی، شخص با انگیزه درونی به تعیین استانداردها و انتظارات بالا از خود مبادرت می‌کند و اجبار بیرونی وجود ندارد. در این نوع کمال طلبی، فرد نه تنها در رقابتی دشوار برای موفق بودن است؛ بلکه می‌خواهد کامل و نفوذناپذیر نیز باشد تا بتواند تأیید مخاطب را جلب کند. «خود کامل به مثابه الگویی قابل اعتماد تصور می‌شود که ماهیتی کاملاً مجزا از شخص دارد و به فرد کمال طلب، وعده رسیدن به آرامش و رضایت را می‌دهد.» (Hewitt et al, 2017: 18). «کمال طلبی تلاشی سرسختانه برای بازیابی حس شایستگی تعبیر کرد.» (ibid, 19).

شخصیت‌های کمال طلب در آثار عطار، نسبت به کمال خود در رنج کشیدن نیز اصرار می‌ورزند و آرزو می‌کنند با رسیدن به اوج رنج و دشواری، توجه خالق را به خود جلب کنند. برای نمونه جرجیس نبی بعد از بارها کشته شدن و زنده شدن، بار دیگر آرزوی تکرار رنج را دارد:

مرا گفت آرزو این است اکنون که یکبار دگر در روی گردون
که تا آید دگر بارم خطابی کنندم پاره پاره در عذابی
که چندین رنج در جانم رقم زد که او در دوستی با ما قدم زد
(الهی‌نامه، ۱۳۸۸: ۳۶۵)

در واقع استانداردهایی که آموزه‌های دینی برای سالک تعیین می‌کند، با توجه بر قدرت جسمی و روحی مخلوق تعیین شده است؛ اما استانداردهایی که سالک برای خود تعیین می‌کند، با توجه به عظمت و کمالیت خالق تعیین می‌شود و به همین دلیل این استانداردها انتها ندارد و با هر بار رسیدن سالک به نقطه موردنظر، افزایش می‌یابد و دشوارتر می‌شود. به همین دلیل سالک هیچ وقت از عملکرد خود احساس رضایت نمی‌کند:

عزیزا کار مشکل می‌نماید ولیکن خلق غافل می‌نماید
ز خوف عاقبت هر که خبر یافت بنو هر لحظه اندوهی دگر یافت
(همان: ۳۳۱)

کمال طلبی خودمحور با اضطراب شکست و شرم همراه است. سالک با توجه به ناکافی بودن عملکرد خود در برابر کمالیت الهی و ابهام در بازیابی جایگاه خود در محضر خداوند، در اضطراب دائمی به سر می‌برد. این اضطراب وجودی در شعر عطار «درد» نام دارد. این اضطراب به صورت مزمن و طولانی در همه ساحت‌های زندگی شاعر و شخصیت‌های داستان‌های او نمود پیدا می‌کند. کوچکترین انحراف از استانداردها، گناهی بزرگ تلقی می‌شود و با فاجعه‌سازی همراه است: (۲۲) «و او را خفیف از آن گفتند که هر شب غذای او به وقت افطار هفت دانه مویز بود، بیش نه... شبی خادمش هشت مویز بداد. شیخ ندانست و بخورد. حلاوت طاعت به قاعده هر شب نیافت. خادم را بخواند و از آن حال سؤال کرد. گفت امشب هشت مویز دادم. شیخ گفت: تو پس یار من نیستی بل که خصم من بوده‌ای. اگر یار بودی، شش دادی نه هشت.»

۴-۲-۲. کمال طلبی دیگر محور (۲۳)

کمال طلبی دیگر محور بر نحوه عملکرد دیگران و مقایسه آن‌ها با استانداردهای پیش فرض و تعیین شده متمرکز است. کمال طلبان دیگر محور انتظار دارند که دیگران کامل باشند و از کسانی که نمی‌توانند مطابق استانداردهای آنان عمل کنند، انتقاد می‌کنند. در تربیت سالک، شرایط بسیار دشواری برای او تعیین می‌شود. مریدان باید شرایط تعیین شده را کاملاً رعایت کنند و هر گونه کاستی، با توبیخ سالک همراه است. در تذکره‌الاولیا، از زبان

اویس قرنی شرط دوستی بیان می‌شود:

اویس گفت: شما دوستدار محمدید؟ گفتند بلی. گفت اگر دوستی درست بودی، آن روز که دندان مبارک او بشکستند، چرا به حکم موافقت، دندان خود را نشکستید؟ که شرط دوستی موافقت است. گفت من او را به صورت نادیده، دندان خود را بر موافقت او شکستم که موافقت از دین است. (تذکره‌الاولیا، ۱۳۹۱: ۲۰)

معشوق نیز کاملاً مستغنی از عاشق است و با داشتن روحیهٔ سختگیرانه، کمترین انحراف از استانداردها و شرایط تعیین شده را نمی‌پذیرد. در الهی‌نامه، مجنون خطاب به لیلی از سرگشتگی خود در بیابان‌ها و از دست دادن هست و نیستش در راه عشق سخن می‌گوید. او تنها دارایی خود؛ یعنی سوزنی را به لیلی نشان می‌دهد که با آن خارهای حاصل از پیاده‌روی و سرگردانی در راه عشق را از پایش درمی‌آورد؛ اما لیلی به رنج‌های او مطلقاً اعتنا نمی‌کند و ادعای او را به دلیل داشتن همین سوزن، باطل می‌شمارد:

چنین گفت آن زمان لیلی به مجنون	که این می‌جستم از تو تا به اکنون
اگر در عشق صادق بودی تو	بدین سوزن چه لایق بودی تو
اگر در جستن چون من نگاری	شود در پایت ای شوریده خاری
به سوزن آن برون کردن روا نیست	و گر بیرون کنی باری وفا نیست

(الهی نامه، ۱۳۸۸: ۳۴۷)

افراد کمال‌طلب دیگر محور نسبت به افرادی که پایین‌تر از آن‌ها هستند، صمیمیت کمتری دارند و کمتر علاقه‌مند به کمک و حمایت از آنان هستند. در اعمال و رفتار آنان نوعی خودشیفتگی، دوگانگی و سردی عاطفی وجود دارد که اصطلاحاً سه‌گانهٔ تاریک نامیده می‌شود. «اگر افراد به انتظارات و استانداردهای این افراد نائل نشوند، با تحقیر و خشم آنان مواجه خواهند شد» (Hewiit et al, 2017: 41). در داستان شیخ ابوعلی رودباری، شخصیت داستان از معشوق خود درخواست توجه و اعتنا می‌کند؛ اما معشوق با بی‌رحمی و سنگدلی، شرط توجه به او را به صورتی کمال‌طلبانه، مرگ عاشق اعلام می‌کند و عاشق نیز جان می‌سپارد. عطار این ویژگی مرگ در راه معشوق را همان کمال عشق می‌داند:

زبان بگشاد صوفی گفت ای ماه
چه می‌خواهی تو زین صوفی گمراه؟...
به من می‌نگری از ناز هرگز
چه سازد با تو این مسکین عاجز؟
چو از صوفی پسر بشنید این راز
بدو گفتا بمیر و رستی از ناز
چو بشنید این سخن صوفی از آن ماه
یکی آهی بکرد و مرد ناگاه
چنان مرد از کمال عشق زود او
که گفتی در جهان هرگز نبود او
(الهی‌نامه، ۱۳۸۸: ۳۴۵)

آموزه‌های قرآن درباره استغناى خداوند و وعده عذاب و مجازات برای گناهکاران، سالک را به کمال‌طلبی سوق می‌دهد. سالک با تصور اینکه عبادتش کافی نیست و گناهان او را جبران نمی‌کند، استانداردهای مدنظر خود را پیوسته دشوارتر می‌کند.

در آثار عطار، سالک یا معشوق یا مرید زمانی به کمال مطلق می‌رسند که در مقابل آزمایش‌ها و درخواست‌های مراد خود تاب بیاورند و تسلیم نشوند. شرایط تعیین شده توسط معشوق، ممکن است برای فرد عادی دست‌نیافتنی باشد؛ اما عاشق مجبور است به این درخواست‌ها عمل کند. در ابیات زیر، معشوق شرط وصال برای عاشق را جمع کردن دانه‌دانه ارزن ریخته شده بر زمین تعیین می‌کند:

دخترش گفتا اگر می‌بایدت
کز وصال من دری بگشایدت
یک جوالِ ارزنم در ره بریخت
نه به قصدی بود، خود ناگه بریخت
زود پی برگیر و یک دانه پاک
از سر سوزن همه برچین ز خاک
چون جوال، این شویه پر ارزن کنی
با من آنگه دست در گردن کنی
(مصیبت‌نامه، ۱۳۸۶: ۲۴۶)

۴-۲-۳. «کمال‌طلبی» اجتماع محور (۲۴)

در کمال‌طلبی مبتنی بر خواست و فشار اجتماعی، فرد بر این باور است که «دیگران از آن‌ها انتظار دارند کامل باشند و اگر نتوانند این انتظارات را برآورده کنند، دیگران به شدت از آن‌ها انتقاد خواهند کرد» (Hewitt and Flett, 1991). «در واقع در این کمال‌طلبی، این دیگران هستند که منبع استانداردها و انتظارات به شمار می‌روند» (Hewitt et al, 2017: 24). در آثار عطار، تمام توجه سالک به خداوند است و جامعه و افراد آن، نمی‌توانند در

اندیشه او تأثیرگذار باشند. در واقع تمام تمرکز و همت سالک، برآورده کردن خواسته‌های خداوند یا معشوق است و به همین دلیل، دیدگاه‌ها در اراده سالک نفوذ ندارد. از این رو در آثار عطار دیوانگان از قهرمانان محسوب می‌شوند و مهم‌ترین ویژگی آن‌ها، بی‌اعتنایی به خواست و هنجارهای جامعه است.

۴-۳. خویشتن‌نمایی «کمال‌طلبانه» (۲۵) (مؤلفه‌های بین‌فردی)

خویشتن‌نمایی کمال‌طلبانه، نمود مستقیم تلاش و کوششی است که فرد برای کامل‌بودن یا مخفی کردن نقص و کاستی‌های خود انجام می‌دهد. «افراد برای جلب تأیید دیگران، پذیرفته‌شدن، جلب احترام، اجتناب از طرد شدن و غیره، رفتارهای کمال‌طلبانه از خود بروز می‌دهند.» (Hewitt et al, 2017: 48). در این حالت، باید یک زمینه بین‌فردی برای ترویج نمایش کمال فرد و مخفی کردن نواقص وجود داشته باشد. در ساحت عرفان، عارف به صورت مداوم در تلاش است تا تصویر کاملی از خود و عملکردش به معبود یا معشوق نشان دهد و از گفتن سخن یا انجام رفتارهایی که نقص و او را نشان دهد، پرهیز کند. کوچکترین نمایش نقص و ضعف، می‌تواند سرزنش و تحقیر معشوق را در پی داشته باشد. خویشتن‌نمایی کمال‌طلبانه به سه نوع تقسیم می‌شود.

۴-۳-۱. خودنمایی کمال‌طلبانه (۲۶)

«خودنمایی کمال‌طلبانه نمایش فعالانه کمال به دیگران است. در این حالت افراد از ارزیابی‌ها و احساسات دیگران آگاه هستند و تلاش می‌کنند با نمایش عملکرد خود به شیوه‌ای عالی و کامل، بر ارزیابی دیگران از خود تأثیر بگذارند» (Ibid, 50).

عارفان با بازگویی رفتارهای کمال‌طلبانه خود و مفاخرات عرفانی، به جنبه خاصی از تربیت مریدان می‌پردازند. مفاخرات عرفا جنبه تربیتی و آموزشی دارد و با الگوسازی، به انگیزه و محرک سالک برای حرکت در مسیر سلوک تبدیل می‌شود. «از دلایل مفاخره می‌توان به جنبه تبلیغی و تشویقی آن اشاره کرد. به نظر می‌رسد که مفاخره‌ها به قصد هدایت بهتر و تشویق بیشتر مریدان به تهذیب و تزکیه و صبر بر دشواری‌های طریقت صورت گرفته باشد و به همین دلیل است که بیشتر مفاخره‌ها از مشایخ بزرگ طریقت چون

جنید و بایزید و شبلی و غیره است.» (رضایی، ۱۳۹۴: ۹۶)

عطار از قول عبدالواحد عامر می گوید: با سفیان ثوری به عیادت او رفتیم. از هیبت او سخن ابتدا نتوانستم گفتن. سفیان را گفتند: یا رابعه دعا کن تا حق تعالی این رنج تو آسان کند. رابعه گفت: ای سفیان ندانی که رنج من حق تعالی خواسته است؟ گفت: بلی! گفت: چون می دانی، می فرمایی تا از وی درخواست کنم به خلاف خواست او؟ دوست را خلاف کردن روا نبود. (تذکره الاولیا، ۱۳۹۱: ۷۲)

۴-۳-۲. نشان ندادن نقص (۲۷)

نشان ندادن نقص شامل انکار ویژگی نامطلوب به وسیله پنهان کردن جنبه های منفی یا نقص خویش است. در این حالت اگر نقص توسط دیگران شناسایی و مشاهده نشود، فرد می تواند از تصویر کامل و عالی خود (۲۸) محافظت کند. «افرادی که از این سبک کمال طلبی استفاده می کنند، از موقعیت هایی که ممکن است نقص ها، اشتباهات و ناتوانی های او را آشکار کنند، دوری می کند. این افراد در صورت قرار گرفتن در چنین موقعیت هایی، احساس شرم و تحقیر را تجربه خواهند کرد» (Hewitt et al, 2017: 52). در تذکره الاولیا، عارف خاطره ای از وضعیت خود در گذر از بیابان برای رفتن به مکه تعریف می کند که چطور با وجود خاری که در پایش بود، مقاومت می کند و تا به کمالیت توکلش آسیب نرسد:

نقل است که یکبار به بادیه بر توکل به راه حج در آمدم. پاره ای برفتم. خار مغیلاں در پایم شکست. بیرون نکردم. گفتم: توکل باطل شود. همچنان می رفتم. پایم آماس گرفت. هم بیرون نکردم. لنگان لنگان به مکه رسیدم و حج بگزاردم و همچنان باز گشتم. و جمله راه از او چیزی می آمد و من در رنجی تمام بودم. مردمان چنان دیدند و آن خار از پایم بیرون کردند (تذکره الاولیا، ۱۳۸۵: ۳۰۵).

اگر شخصیت، شرایط لازم را برای کامل بودن فراهم نداشته باشد، از موقعیت هایی که ضعف او را نشان می دهند، دوری خواهد کرد که این امر به اهمال کاری (۲۹) منجر می شود. تلاش برای به تأخیر انداختن انجام وظیفه اهمال کاری نامیده می شود. «اهمال کاری

با وجود آگاهی نسبت به بدتر شدن اوضاع و شرایط در صورت بروز تأخیر انجام می‌شود» (Steel, 2007: 65). در منطق الطیر، همه پرنده‌گان برای رفتن به سراغ سیمرخ، از هدهد اطاعت می‌کنند؛ اما به محض اطلاع از دشواری‌های مسیر و امکان نمایش ضعف و شکست، هر کدام به بهانه‌ای سر باز می‌زنند:

بی‌دل و بی‌قوت و قوت آمدم	گفت من حیران و فرتوت آمدم
در ضعیفی قوت موریم نیست	همچو موسی بازو و زوریم نیست
کی رسم در گرد سیمرخ عزیز	من نه پر دارم نه پانه هیچ چیز
بر محالی راه نتوانم برید	در وصال او چو نتوانم رسید
یا بمیرم یا بسوزم در رهش	گر نهم رویی به سوی در گهش

(منطق الطیر، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

در آثار عطار، ایوب نماد صبر و استقامت است که در نشان‌ندادن ضعف در برابر بلا، الگوی سایرین است.

۴-۳-۳. پرهیز از خودافشایی نقص (۳۰)

«در این حالت تمرکز فرد بر افشانکردن شفاهی نقص و کاستی‌ها و بطور کلی هرگونه اطلاعاتی است که می‌تواند قضاوت منفی دیگران را در پی داشته باشد. این افراد صحبت درباره نقص و ضعف‌های خود را اضطراب‌آور می‌دانند و در چنین موقعیت‌هایی احساس آسیب‌پذیری می‌کنند» (Hewitt et al, 2017: 5). در آثار عطار، شخصیت‌ها با وجود تحمل رنج و مشقت بسیار برای دستیابی به استانداردهای کمالیت، از اعتراف به رنج‌ها خودداری می‌کنند و ضعف نشان نمی‌دهند و برعکس، از وضعیت موجود نیز رضایت دارند. در مواردی نیز، شخصیت آرزو می‌کند تا رنج‌ها بیشتر شود. در حکایت شهادت جرجیس علیه‌السلام، زمانی که در عظیم‌ترین رنج ممکن است، از او درباره آرزویش می‌پرسند. او نه تنها به رنج خود اعتراف نمی‌کند؛ بلکه خواستار عذاب بیشتری نیز می‌شود:

سه بار آن کافر اندر آتش و خون	بگردانید بر جرجیس گردون
تنش شد ذره‌ذره چون غباری	ز خاک او برآمد لاله زاری
بدو گفتند ای جرجیس و ای پاک	تو را هیچ آرزویی هست در خاک؟

مرا گفت آرزو آن است اکنون که یکبار دگر در زیر گردون
کشندم پاره پاره در عذابی که تا آید دگر بارم خطابی
(الهی نامه، ۱۳۸۸: ۳۶۵)

در آثار عطار، سالک حق ندارد به ضعف خود اشاره کند. او باید همیشه در اوج استقامت و کمال بماند. در غیر این صورت از سمت معشوق طر خواهد شد. عطار به زکریا اشاره می کند که در لای درخت گیر افتاد و با اره به دو نیم تقسیم شد:

زکریا ارّه ای بر سر به زاری بدو گفتا اگر آهی بر آری
کنم از انبیا بسترده نامت مزن دم تا کند ازّه تمامت
(همان: ۴۰۴)

۳-۵. مؤلفه های درون فردی «کمال طلبی»

«گفت و گوی درونی و درگیری ذهنی فرد برای کامل بودن، منجر به نشخوار فکری و خودسرزندی می شود. این افکار زمانی به وجود می آید که بین من واقعی و من ایده آل شخص اختلاف به وجود می آید» (Hewitt et al, 2017: 17). شخصیت های آثار عطار به دلیل داشتن احساس کامل نبودن، خود را سرزنش می کنند و این امر به خودانتقادی و تحقیر خویشتن و نادیده گرفتن تلاش ها منجر می شود. عطار از زبان شبلی که از بزرگترین عارفان است، می نویسد:

گفت: کاشکی گلخن تاب بودمی تا مرا نشناختندی و گفت: خویشتن را چنان دانم و چنان بینم که جهودان را... و گفت مرا سه مصیبت افتاده است هر یک از دیگر صعب تر... آن که حق از دلم برفت... و آن که باطل به جای حق نشست... (و) آن که مرا درد این نگرفته است که علاج و درمان آن کنم.
(تذکره الاولیا، ۱۳۹۱: ۵۴۱)

۶. نتیجه گیری

سرچشمه کمال طلبی عطار را باید در آموزه های دینی جست و جو کرد. مفهوم هبوط و سقوط انسان از جایگاه الهی به زمین، و تلاش او برای بازگشت و احیای جایگاه اصلی

خود، به اضطراب وجودی سالک منجر می‌شود و باعث می‌شود تا سالک استانداردها و معیارهای بسیار دشوار و کمال‌طلبانه‌ای برای گذر از مراحل سخت سلوک و کسب رضایت خالق در نظر بگیرد. عطار شاعری است که به‌طور مستمر دربارهٔ هبوط، گناه بزرگ و دور شدن از خالق می‌اندیشد و این نشخوار فکری به صورت مستمر در ذهن او حضور دارد. مبهم‌بودن چگونگی بازگشت و نامعلوم بودن موفقیت تلاش‌ها، شاعر را در اضطراب وجودی عظیمی فرومی‌برد که درد نامیده می‌شود. سنت عرفانی بر سختگیری خالق و معشوق تأکید می‌کند و در عین حال، الگوهای خاصی برای تشویق سالک به تحمل سختی‌های سلوک معرفی می‌کند. پیوند سنت‌ها و قراردادهای اجتماعی با کمال‌طلبی، باعث می‌شود سختگیری بر خویش تا ساحت‌های عادی و روزمره زندگی سالک نیز کشیده شود. به همین دلیل، کمال‌طلبی عطار را باید در سه ساحت خودمحور، دیگر محور و اجتماع‌محور بررسی کرد. نگاه دوقطبی یا سیاه یا سفید شاعر به جهان هستی، باعث می‌شود، شخصیت‌های بینابین و خاکستری در آثار او وجود نداشته باشد. از نظر عطار، همه چیز یا در کمال خود هست یا در سقوط مطلق قرار می‌گیرد و نقطهٔ بیابینی وجود ندارد. کمال‌طلبی در حوزهٔ اعمال مذهبی، به وسواس مذهبی منجر می‌شود. شخصیت‌های آثار عطار برای کامل نشان دادن خود به معشوق و پنهان کردن نواقص خود تلاش می‌کنند. کمال‌طلبی از طرف خالق و معشوق نیز توصیه می‌شود و به‌طور مداوم، استانداردهای دشوارتری برای سالک یا عاشق تعیین می‌شود که عمل به آن‌ها، لزوماً رضایت معشوق را در پی نخواهد داشت. به همین دلیل، شخصیت‌ها مضطرب هستند و اطمینانی به کافی بودن عملکرد خود ندارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عنوان مقاله نباید با نظریه (Perfectionism value theory) یکی دانسته شود که به دنبال شناسایی فعالیت‌های ارزشمند برای زندگی انسان است:

Thomas Hurka (1993), *Perfectionism*, New York, US: Oxford University Press.

همچنین نباید با نظریه همنام در فلسفه رواقی (Stoicism) تخلیط شود که به دنبال ارتقای انسان و پیشرفت معنوی اوست:

Steven K. Strange & Jack Zupko (2004), *Stoicism: Traditions and Transformations*, New York: Cambridge University Press.

2. Selective Attention
3. Alfred Adler
4. Karen Horney
5. Basic anxiety
6. Tyranny of the should
7. Harry Stack Sullivan
8. Paul Hewitt
9. Gordon L Flett
10. <https://hewittlab.psych.ubc.ca/publications/>
11. Comprehensive Model of Perfectionistic Behavior
12. Rumination
13. Existential Anxiety
14. Categorical thinking
15. Polarized thinking
16. Scrupulosity
17. BIS: Behavioral inhibition system
18. BAS: Behavioral approach system
19. example of behavior
20. Perfectionism trait dimension
21. Self-oriented perfectionism
22. Catastrophizing
23. Other-oriented perfectionism
24. Socially prescribed perfectionism
25. Perfectionistic self-presentation
26. Perfectionistic self-promotion
27. Nondisplay of Imperfection
28. Ideal Self
29. Procrastination
30. Nondisclosure of Imperfection

منابع

- قرآن کریم
- رحمانی کروی، حامد و پاشایی، محمد. (۱۴۰۱). انواع اضطراب در اندیشه و آثار عطار. *ادبیات عرفانی*، س ۱۴، ش ۳۱: صص ۱۵۷-۱۸۸.
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل مفاخره‌های صوفیانه. *پژوهش‌های ادبی عرفانی*، ش ۲، پیاپی ۲۷: صص ۷۱-۹۸.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۷). *الهی‌نامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چ سوم. تهران: سخن.
- ----- (۱۳۹۲). *اسرارنامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چ ششم. تهران: سخن.
- ----- (۱۳۹۱). *تذکرة الاولیا*. تصحیح محمد استعلامی. چ شانزدهم. تهران: زوار.
- ----- (۱۳۸۸). *منطق‌الطیر*. تصحیح رضا انزلی نژاد و سعیدالله قره‌بگلو. تبریز: آیدین.
- ----- (۱۳۸۶). *مصیبت‌نامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چ سوم. تهران: سخن.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *انسان کامل*. تهران: انتشارات صدرا.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۹۰). *مثنوی معنوی*، دفتر اول. تصحیح رینولد نیکلسون. چ پنجم. تهران: هرمس.
- Adler, A. (1938). *Social interest: A challenge to mankind*. Oxford, UK: Faber & Faber.
- Bishop, D.L.; Macy-Lewis, A. J.; Schenkloth, G. A.; Puswella. S. & Struessel, G.L. (1997); *Ego Identity Status and Reported Alcohol Consumption: A study on First Year College Students*; *Journal of Adolescence*; Vol. 20.
- Broman-Fulks, J. J., Hill, R. W., & Green, B. A. (2008). Is perfectionism categorical or dimensional? A taximetrics analysis. *Journal of Personality Assessment*, 90(5), 481-490.
- Covington, M.V., Mueller. (2001) *Intrinsic Versus Extrinsic Motivation: An Approach /Avoidance Reformulation*. *Educational Psychology Review* 13, 157-176.
- Egan, S. J., Wade, T. D., Shafran, R., & Antony, M. M. (2014). *Cognitive-behavioral treatment of perfectionism*. The Guilford Press.
- Flett G. L., Hewitt P. L., Blankstein K. R., Gray L. (1998). Psychological distress and the frequency of perfectionistic thinking. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(5), 1363-1381.

- Hewitt, P. L. & Flett, G. L. (1991). Perfectionism in the self and social contexts: Conceptualization, assessment, and association with psychopathology. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 456-470.
- Hewitt PL, Flett GL (2022). Perfectionism in the self and social contexts: conceptualization, assessment, and association with psychopathology. *J Pers Soc Psychol*. 1991 Mar;60(3):456-70
- Hewitt PL, Flett GL, and Samuel F. Mikail (2017). Perfectionism: A Relational Approach to Conceptualization, Assessment, and Treatment.
- Horney, K. (1950). *Neurosis and human growth: The struggle toward self-realization*. New York, Norton.
- Knaus, W. J. (2008). *The cognitive behavioral workbook for anxiety: A step by-step program*, New Harbinger Publications.
- McAdams, D. P., & Pals, J. L. (2006). A new Big Five: Fundamental principles for an integrative science of personality. *American Psychologist*, 61, 204-217.
- Moscovitch, D. A., Antony, M. M., & Swinson, R. P. (2009). *When Perfect Isn't Good Enough: Strategies for Coping with Perfectionism*. New Harbinger Publications.
- Randles, D., Flett, G. L., Nash, K. A., McGregor, I. D., & Hewitt, P. L. (2010). Dimensions of perfectionism, behavioral inhibition, and rumination. *Personality and Individual Differences*, 49(2), 83-87.
- Samuel, D. B., Riddell, A. D., Lynam, D. R., Miller, J. D., & Widiger, T. A. (2012). A five-factor measure of obsessive-compulsive personality traits. *Journal of Personality Assessment*, 94, 456-465.
- Steel, P. (2007). The Nature of Procrastination: A Meta-Analytic and Theoretical Review of Quintessential Self-Regulatory Failure. *Psychological Bulletin*, 133, 65-94.
- Tillich, Paul. (1952). *The Courage to Be*. New Haven: Yale University Press.
- Weir, Kyle N.; Greaves, Mandy; Kelm, Christopher; Ragu, Rahul; and Denno, Rick (2014) "Scrupulosity: Practical Treatment Considerations Drawn from Clinical and Ecclesiastical Experiences with Latter-day Saint Persons Struggling with Religiously-oriented Obsessive-Compulsive Disorders," *Issues in Religion and Psychotherapy*: Vol. 36: No. 1, Article 8.

References

Holy Quran.

- Attar Neyshaburi, Farīd ud-Dīn (2013). *Asrar-Nama*. Edited by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. 6th ed. Tehran: Sokhan.
- Attar Neyshaburi (2008). *Ilāhī-Nāma*. Edited by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. 3th ed. Tehran: Sokhan.
- Attar Neyshaburi (2009). *Manteq-o-tteyr*. Edited by Reza Anzabi Nejad and Said-o-llah Qarabaglu. 1th ed. Tabriz: Aydin.
- Attar Neyshaburi (2015). *Mokhtar-Nameh*. Edited by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. 6th ed, Sokhan.
- Attar Neyshaburi (2007). *Mosibat-Nameh*. Edited by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani, Third Edition, Sokhan.
- Attar Neyshaburi (2006). *Tazkirat al-Awliya*. Edited by Muhammad Istelami. 16th ed. Tehran: Zavar.
- Motahhari, Morteza (2000). *notes*. Volume II. 2th ed. Tehran: Sadra.
- Rahmani Karavig, H., & Pashaie, M. (2022). Types of Anxiety in Attar's Thought and Works. *Mystical Literature*, 14(31), 157-188. doi: 10.22051/jml.2022.41228.2382
- Rezaeei, M. (2015). A Study and Analysis of Sufi Mofakherehs. *Research on Mystical Literature*, 8(2), 71-98.
- Tabataba'i, Muhammad Hussayn.(1984) Almizan. 1th. Qom: jameehmodarresin.



Analysis of the relationship between perfectionism and anxiety in Attar's works and thoughts¹

Hamed Rahmani Karavigh²
Mohammad Pashaie³, Vida Dastmalchi⁴

Received: 2023/08/05

Accepted: 2023/10/28

Abstract

Perfectionism means setting very high and absolute standards and criteria in various areas of human life and action, defined on a predetermined path in order to achieve a certain goal. Moving on the path of mystical behavior requires adherence to certain rules and principles in order to achieve the necessary quality to reach extinction and absolute truth. Attar sets very high and difficult standards and expectations for the salik, and this situation extends to the salik's personal and social life as well. Anxiety and perfectionism have a two-way and mutual relationship, and their roots can be traced back to the poet's existential anxiety in dealing with the qualitative and abstract path of behavior. The anxiety resulting from decline, the inherent and omnipresent absoluteness of God, the failure of man to claim his place in heaven and the anxiety of dependence on the lowest possible point, are reflected in the realm of Attar's thought as an attempt to compensate to the maximum and restore the dignity of man. The main result of Attar's perfectionism is the binary thinking or the "all or nothing" that does not accept being in the middle of the path of the path and only accepts reaching the end of the path. Religious obsession or scrupulousness and emphasis on acts of worship that go beyond religious rules are other results of perfectionism. By narrating the story of the perfectionism of the mystics and Sufism, Attar recreates his original view on the quality of behavior and the way the salik moves.

Keywords: Attar, Perfectionism, Mystical stories, Anxiety

1. DOI: 10.22051/jml.2023.44545.2492

2. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Azerbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. (Corresponding author): hamedrahkar@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Azerbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. m.pashaie@azaruniv.edu

4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Azerbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. dastmalchvida@yahoo.com

Print ISSN: 2008-9384 / Online ISSN: 2538-1997